

فصلنامه علمی - ترویجی
سال شانزدهم - شماره پیاپی ۴۸
بهار ۱۳۹۶

تسبیح کائنات از منظر صدر المتألهین و امام خمینی (ره) *

ناصر فروهی **

مینا اصولی ***

چکیده

تسبیح گویی موجودات هستی، از مسائلی است که ریشه در قرآن داشته و ذهن فلاسفه مسلمان را مشغول کرده و به کرات، در آیات و روایات و نیز در آثار و ادله بزرگان بدان اشاره شده است. اما آنچه که محل تأمل است، چگونگی تسبیح موجودات از جمله جمادات و نباتات است. صدر المتألهین ضمن پذیرش تسبیح همه موجودات، معتقد است تسبیح کائنات به نحو مجازی و اعتباری و به عبارت دیگر تسبیح آنها حالی است نه مقالی. در مقابل امام خمینی (ره) معتقدند تسبیح کائنات حقیقی و قولی است و همه موجودات به زبان خود، خداوند را تسبیح می‌گویند و این تسبیح بر اساس علم و شعور است، هر چند به نطق و لغت و فهم ما نبوده و ما نتوانیم بفهمیم.

واژگان کلیدی: تسبیح خداوند، تسبیح قولی و نطقی، تسبیح مجازی و حالی، صدر المتألهین، امام خمینی (ره).

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۱۰

* تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۲۰

Forouhi_naser@yahoo.com

** استادیار فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تبریز

*** فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تبریز

۱- مقدمه

چگونگی تسبیح کائنات از جمله مباحثی است که هم در آیات و روایات و هم در آثار و ادله مفسران و اهل عرفان و فلاسفه فراوان از آن یاد شده است. اما اثبات اینکه نحوه تسبیح گویی موجودات به چه کیفیتی است محل تأمل بوده که از جمله این مفسران صدرالمতألهین و امام خمینی (ره) می باشد. لذا در این نوشتار سعی شده با بررسی و تطبیق ادله و آراء ایشان، به تبیین ادله دیدگاهشان پردازیم. ملاصدرا با ادله فلسفی اش، تسبیح اعتباری و کنایه ای را برای کل عالم هستی از قبیل نوع نبات و جماد می داند و در واقع ایشان در این خصوص قائل به تفصیل بوده و تسبیح حیوان و انسان و ملائکه را از نوع تسبیح قولی و تسبیح جماد و نبات را تسبیح حالی و مجازی می داند در حالیکه امام خمینی (ره) تسبیح همه آنها را از نوع تسبیح نطق و لغت و همراه با علم و شعور می داند. البته قرائن موجود در آیات و روایات نیز چنانکه اشاره خواهد شد به این امر تصریح دارد که تمام کائنات مسبِّح خدایند نه بعضی موجودات و هم این تسبیح، حقیقی و قولی است نه مجازی و حالی، چنانکه امام خمینی (ره) بر آن تأکید دارند لکن انسان تنها موجودی است که از میان تمامی کائنات می تواند با ریاضات معنوی و تصفیه باطن و نیز رفع علایق، تسبیح آنها را شنود کند.

۲- مفاهیم

۲-۱. تسبیح: تسبیح مصدر باب تفعیل از ریشه سَبَّح است. « السَّبَّح » گذشتن با شتاب در آب و هوا معنی شده است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷ش، ج ۲، ص ۱۷۴) و به معنای منزّه دانستن و تنزیه خدای تعالی است و در اصل عبور و گذشتن با شتاب در پرستش و عبادت خداوند است. (همان، ص ۱۷۴)

در لسان العرب تسبیح به معنی تنزیه آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۷۱) همچنین به معنی صلاه (نماز) و ذکر نیز معنی شده است. چنانکه گفته می‌شود: قِصْبٌ سُبْحَتِي (همان، ج ۲، ص ۴۷۳؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، صص ۱۵۱-۱۵۲؛ احمد بن فارس بن زکریا، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۲۵)

اما در اصطلاح تسبیح به معنای تنزیه و تقدیس خداوند از هر گونه عیب و نقص و نیز ذکر و نماز بکار رفته است. (مصطفوی تبریزی، ۱۳۷۵/۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۹)

۲-۲. کائنات: کائنات از ریشه کائن، اسم فاعل از ثلاثی مجرد کان و کون می‌باشد و به معنی "وجود، هستی و بوجود آمده" است. کائن به معنی حادث و در فلسفه یعنی حصول صورت در ماده و به معنی شیء موجود است. (صدر حاج سید جوادی، ۱۳۸۸، ج ۱۳، ص ۵۱۱ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۳۶۴) اما در اصطلاح، کائنات موجودی هستند که با سلسله‌ای از فعل و انفعالات مادی در جهان حادث می‌گردند. به نظر ابن سینا کائنات از آغاز تا فرجام از «أَحَد» صادر می‌شود. و حال است که هیچ تغییری بی آن که به دگرگونی ناپذیری و کمال «أَحَد» لطمه زند، بر آن عارض شود. (صدر حاج سید جوادی، ۱۳۸۸، ج ۱۳، ص ۵۱۱)

۲-۳. تسبیح به زبان حال و تکوینی: تسبیح حال مربوط به آسمان‌های هفتگانه و زمین می‌باشد که دارای زبان معمولی انسان نیستند. در واقع همان وجود و خلقت موجودات است که بر وجود خالق شان دلالت می‌کند. (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱۰، صص ۶۰-۵۹؛ و نیز طیب، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۲۵۹)

تسبیح به این اعتبار به این معنا می‌باشد که تمام موجودات با وجودی که دارند ذاتاً نشانگر خالق قادر و حکیم می‌باشند و بدین طریق خدای خود را تسبیح می‌کنند.

به عبارتی موجودات عالم به تناسب گستره وجودی شان، بدون آن که عالم و آگاه باشند، مسیح پروردگارشان هستند. (سجادی، ۱۳۷۹، ص ۳۵۷)

۲-۴. تسبیح به زبان قولی و تشریحی: در این قسم از انواع تسبیح، همان طور که از نام آن پیداست، تمام موجودات به زبان مخصوص خود که از طریق رسولان خداوند صورت گرفته، پروردگارشان را تسبیح می‌گویند که مسلم همراه با علم و شعور موجودات و کائنات می‌باشند. پس متعلق این نوع تسبیح، ذوی العقول خواهد بود. مراد از تسبیح به لسان قولی همان است که در ادیان اسلامی و شریعت به آن اشاره شده است از جمله تسبیحات اربعه، تهلیل و تکبیر و ... (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱۰، ص ۵۹)

۳- تسبیح موجودات در آیات و روایات

۳-۱. تسبیح موجودات در قرآن دالّ بر ذی شعور بودن آنهاست: خداوند برای اینکه انسان را متوجه این امر سازد با آیات بسیاری او را متوجه شعور پدیده‌ها و ابراز بندگی آنها نسبت به ربّشان می‌نماید. بنابر آیات آغازین سوره حدید که محوری‌ترین مبنای ما در این پژوهش می‌باشد، خداوند همه موجودات عالم را یکپارچه مسیح معرفی کرده است: «سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ هر چه در آسمانها و زمین است، همه به تسبیح و ستایش یکتا خدایی که مقتدر و حکیم است مشغولند.» آیات دالّ بر تسبیح فراوان به چشم می‌خورد. برای نمونه:

- «سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ هر چه در آسمانها و زمین است، تسبیح و ستایش خدا می‌گویند.» (حدید، حشر، تغابن، صف، جمعه /

- « تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا؛ هفت آسمان و هفت زمین و هر که در آنهاست همه به ستایش و تنزیه خدا مشغولند و موجودی نیست در عالم جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست، ولیکن شما تسبیح آن ها را نمی فهمید، همانا او بسیار آمرزنده و مهربان است.» (الإسراء / ۴۴)

- « وَ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَ الْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَ ...؛ و رعد و جمیع فرشتگان از بیم او، تسبیح و ستایش او می کنند... » (رعد / ۱۳)

از این آیات استفاده می شود که همه موجودات، از جمله جمادات و نباتات هم دارای یک نحوه درک و شعوری نسبت به پروردگارشان هستند. نتیجه این که کائنات در همه حال تسبیح گوی خداوند هستند.

۲-۳. تسبیح در روایات: مفهوم تسبیح گذشته از کاربرد بسیار آن، در روایات و ادعیه نیز آمده است. برای نمونه: «اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمودند: هیچ پرنده‌ای در خشکی و در دریا صید نگردد و هیچ حیوان وحشی صید نمی‌شود مگر از آن سبب که او تسبیح خداوند را ضایع نموده است.» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ص ۲۹۴ و نیز علامه مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۷، ص ۲۷۴)

- «از زراره روایت است که گفت از امام باقر (ع) درباره کلام خداوند: «و هیچ چیزی نیست مگر آن که تسبیح به حمد خداوند می‌کند»، پرسیدم. حضرت فرمود: چه دید ای، همانا شکستن دیوارها تسبیح آنها است.» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ص ۲۹۴)

۳-۳. در ادعیه اسلامی نیز اشاره به این مطلب شده از جمله:

- در دعای جوشن کبیر می خوانیم: «یا مَنْ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ»

۴- پیش فرضهای مسیح بودن کائنات

۴-۱. حیات، علم، آگاهی و شعور در موجودات؛

حیات، امری ساری در تمام موجودات است و تمام اجسام اعم از بسایط و مرکبات، دارای حیات اند. (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۲۲۰، و ج ۷، ص ۱۵۰؛ همان، ۱۳۵۴ش، ص ۱۵۳) شاید حیات نباتات تا حدودی برای ما ملموس باشد، اما اینکه آیا سنگ و خاک و آب نیز از جمله ممکنات و کائنات بوده و دارای حیات باشد، از مهم‌ترین مطالبی است که جای بحث و تأمل دارد. بیاناتی که در کلام خداوند و ادله فلاسفه وجود دارد مبین این حقیقت اند که تمامی موجوداتی که به ظاهر بی شعورند، در باطن قطعاً ذی شعور بوده و تمام عالم هستی خدا را به زبان خود تسبیح می‌گویند. زیرا حیات، لازمه ادراک است و تسبیح هم فرع بر شعور و ادراک. آیاتی هم بر وجود حیات و شعور در تمام موجودات دلالت می‌کند: بقره/ ۷۴، احزاب/ ۷۲، زلزله/ ۴، نمل/ ۲۰-۲۸، نور/ ۲۴ و ... همگی دال بر درک و شعور و متضمن حیات‌اند. بنابراین هر مسیحی بطور قطع و جدّ، آفریدگار خود را آگاهانه تسبیح می‌گوید.

صدرا می‌گوید: «ما بارها گفته ایم که حیات در تمامی موجودات سریان دارد، چون وجود در آنها ساری و جاری می‌باشد، چراکه وجود یک حقیقتی است که عین علم و قدرت و حیات می‌باشد؛ همانگونه که موجودی بدون طبیعت وجود تصور نمی‌گردد، بدون علم و آگاهی و فعل هم تصور نمی‌شود» (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱م، ج ۷، ص ۱۵۰). در حکمت متعالیه حیات همچون وجود، یکی از شئون و مظاهر هستی است و همه چیز اعم از مادی و غیر مادی، بسیط و مرکب و ... بر حسب ظرفیت وجودی اش دارای حیات، درک و حتی شعور و عشق است. بنابراین همه موجودات گرچه ظاهراً زنده نیستند ولی حقیقتاً زنده، آگاه و گویای تسبیح حق اند چنانکه قرآن نیز بدان

اشاره دارد. بنابراین تمام کائنات چون مظهري از مظاهر و جلوه خدایند به وسعت ظرفیت وجودی شان، شأنی از شؤونات باری تعالی را دریافت می‌کنند و به این مناسبت از نظر شدت و ضعف مختلف الدرجه می‌شوند.

بنا به تصریح ملاصدرا «هیچ جسمی در عالم یافت نمی‌شود، مگر آنکه دارای نفس و حیات است» (همان، ۱۳۸۲، صص ۲۵۲ - ۲۵۳) بدین ترتیب با این مطلب ایشان سریان حیات بر تمام ذرات کائنات را با مفاهیم قرآنی مطابقت داده و تمام موجودات را تسبیح گوی خداوند معرفی کرده است.

۴-۲- اختیار و اجبار موجودات

ما انسان‌ها می‌پنداریم که فقط ما هستیم که قدرت، اراده، نطق و آگاهی داریم، حال آنکه بنا به تصریح قرآن تمام موجودات عالم از این نعمات برخوردارند. گرچه از سنخ اختیار و اراده انسان نیست بلکه بهره‌مندی هر موجودی از کمال با توجه به ظرفیتی است که دارد. با تأمل در آیات قرآن خواهیم دید که با مرتبه‌ای از شعور و اراده و اختیار در موجودات عالم هستی رو برو هستیم و می‌بینیم که با همان اراده و اختیار خویش به حمد و ثنای پروردگار مشغولند. آیاتی چون: احزاب/ ۷۲ بهترین گواه بر این مطلب است. زیرا که این پیشنهاد خداوند بر کوهها و آسمانها و زمین خود دلیلی آشکار است بر اینکه پس آنها دارای نوعی اختیار و اراده بودند. (هر چند از سنخ اراده و اختیار انسان نباشد). همچنین در آیه ۳۸ انعام خداوند به روشنی حیوانات و پرندگان را همانند انسان دارای امت معرفی کرده که بهترین قرینه‌ای است بر وجود اراده و قدرت در موجودات (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۹۸) و آیه فصلت نیز به همین مطلب اشاره می‌کند. آیات دیگر که بیانگر اراده داشتن موجودات است: هود/ ۴۴،

نمل / ۱۶-۱۸، فصلت / ۲۱، حدید / ۱ و نور / ۲۴ و گواهی اشیا در روز قیامت و ... همگی گواه بر مختار بودن تسبیح موجودات است. بنابراین موجودات تماماً دارای علم و اراده می‌باشند.

۵- مبانی فلسفی تسبیح موجودات

الف) مبانی ملاصدرا

۱- اصالت وجود: یکی از مبانی فلسفه صدررا که تمام مباحث و مسائل حول آن می‌چرخد اصالت وجود می‌باشد که بر طبق این اصل تنها واقعیت اصیل، وجود است که بعنوان حقیقت مشترک در تمام ذرات جهان سریان دارد و منشأ آثار در خارج، همانا وجود اشیا است. (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱م، صص ۳۸ - ۳۹) از طرفی شعور و حیات از کمالات وجودی بلکه عین وجودند و مانند وجود در همه ذرات عالم سریان دارد حتی جمادات هم زنده و آگاه‌اند ... لذا وجود هم مانند شعور و حیات مقول به تشکیک است یعنی هر موجودی به اندازه سعه وجودی خودش از شعور و حیات برخوردار است و علت عدم ظهور آن در موجودات مادی این است که آنها از وجود ضعیف و ناقصی برخوردارند. به تعبیر صدررا وجودشان متضمن عدم، ظهورشان مندمج در خفاست. (همان، ج ۸، صص ۱۶۳ - ۱۶۴)

۲- تشکیک وجود: از دیگر مبانی نظرات وی تشکیک وجود است. طبق این اصل، وجود خاص اشیا یک حقیقتی است که بوسیله مراتب کمال و نقص، شدت و ضعف از یکدیگر متمایز می‌شوند. علم، حیات، شعور و تسبیح موجودات و ... از اموری هستند که در تمام کائنات وجود دارد اما چون وجود مقول به تشکیک است این اوصاف نیز در آنها به تبع بهره وجودی شان مشکک می‌شوند. ملاصدرا از این مبانی

در استدلالاتش استفاده کرده است. (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱م، ج ۶، ص ۱۱۷ و ۱۳۹؛ ج ۷، ص ۱۵۰، ج ۸، ص ۱۶۴)

۳- سریان عشق در موجودات: صدرا در آثار خود، وجود عشق را در سراسر عالم هستی مبنی بر مساوت آگاهی با وجود پذیرفته است و این گونه متذکر می‌شود که وجود حقیقت واحدی است که عین علم و حیات و... است. از آنجاکه هر موجودی دارای حیات و شعور است ناچار دارای عشق و شوق هم خواهد بود. چراکه عشق ناشی از آگاهی نسبت به کمال موجود و شوق هم ناشی از کمال مفقود است. (همان، ج ۱، صص ۲۳۵-۲۳۴؛ ج ۲، ص ۲۷۳؛ ج ۷، صص ۱۴۸-۱۵۰؛ ج ۹، ص ۲۷۲؛ همان، ۱۳۵۴، ص ۲۳۴ و نیز ۱۳۸۳، ج ۱، صص ۱۱۸-۱۱۹؛ ج ۶، ص ۱۱۷ و...)

۴- مراتب وجود: صدرا با تأکید بر اینکه کائنات و تمام موجودات عالم، دارای مراتب خاصی از تسبیح هستند، قائل به مراتب بوده و به تفاوت‌های آنها اشاره می‌کند. در این خصوص ذیل آیه اول سوره جمعه می‌فرماید: «هر موجودی به حسب وجودش، شناسای پروردگار خویش که متصف به صفات جمال و دوری از نابودی و نقایص امکانی بوده می‌باشد». بر اساس این، تسبیح موجودات در یک رتبه و یک درجه نیستند، بلکه هر کدام از طبایع حیوانی و نباتی و جمادی بر حسب بهره و حظی که از وجود دارند، علم و آگاهی و شعور دارند چون وجود عین ظهور و متحد با صفات کمالی و وجودی از قبیل آگاهی، قدرت، اراده و حیات است. (همان، ۱۳۸۲ش، ص ۳۹؛ ۱۳۶۳ش، صص ۲۶۱ - ۲۶۲)

بنابراین از دیدگاه حکمت متعالیه علم و ادراک در تمام مراحل و مراتب وجود، تحقق دارد و هر موجودی در هر مرتبه‌ای از وجود که باشد سهم و حظی از صفات عمومی مانند علم، قدرت، شعور و حیات و... دارد، اما چیزی که از ما مستور است، اینکه گاهی بر اثر ضعیف بودن این صفات، وجود آنها برای ما مکشوف نیست.

توضیح مطلب اینکه موجودات جهان هر چه از ماده و آثار آن دوری گزینند، این صفات در آنها قوی تر و واضح تر می شود و برعکس هر قدر از نظر وجود به سمت ماده گرایش پیدا کنند، این صفات در آنها به همان اندازه تنزل و کاهش یافته تا آنجا که به نظر می رسد فاقد علم و ادراک هستند. ولی در حقیقت چنین نیست بلکه اصل این صفات را هر چند به طور ضعیف واجد ولی دارا هستند، اما در نزد ما استتار دارند. (همان ج ۶، ص ۳۷۸؛ ج ۷، صص ۱۵۰-۱۷۰ و ص ۲۳۴)

ب) مبانی فلسفی امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) به تأسی از صدرالمتألهین که از پیروان این مکتب است، مبانی مهم فلسفی را در این راستا داشته است که در زیر به آنها اشاره می کنیم:

۱- اصالت وجود: امام در جای جای آثارش به وجود و لوازم آن از جمله اصالت وجود، وجود منبسط و ... اشاره دارد که با بیان لطیفی به عرفان ربط می دهند. (خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱ و ۲۱۸ و ۲۴۱؛ همان، ۱۳۸۳، ص ۱۶۲ و ۱۸۰) برای نمونه در کتاب آداب الصلوه ص ۱۴۱ به اصالت وجود و کمالات آن معتقدند که هر موجودی حظی از وجود دارد و به این تناسب حقیقت الوهیت و لطیفه الهیه که همان موجود منبسط باشد در سراسر کائنات ثبت است. (همان، ۱۳۸۷، صص ۱۴۱، ۲۱۸ و ۲۴۱؛ و نیز همان، ۱۳۸۳، ص ۱۳۵ (پاورقی))

۲- عین کمالات بودن وجود: ایشان با تأکید بر اینکه حقیقت وجود را عین شعور، اراده، قدرت، حیات و سایر شؤون حیاتی می داند، به این قائلند که اگر چیزی از اشیا را علم و حیات مطلق نباشد، وجود نیز نباشد تا آنجا که اصرار دارند اگر کسی حقیقت اصالت وجود و اشتراک معنوی را با ذوق عرفانی ادراک کند، می تواند ذوقاً یا علماً حیات ساریه در همه موجودات را نیز تصدیق کند، آن هم جمیع شؤون حیاتی را

از قبیل علم و اراده و تکلم و غیر آن. و چنانچه به ریاضت معنوی، به مقام مشاهده و عیان نائل شد، آنگاه می‌تواند غلغله تسبیح و تقدیس همه موجودات را به عین که چشم ملکوتی و شهودی است، مشاهده کند. (خمینی (امام)، ۱۳۸۴، ص ۶۵۵)

بنابراین موجودات از آن جهت که وجود دارند با توجه به شدت و ضعف، شعور و قدرت و علم و ... دارند. در نتیجه وقتی از تسبیح و تحمید همه موجودات سخن به میان آید، منظور تسبیح و تقدیسی است که از شعور و اراده و حیات و ... نشأت می‌گیرد و همه به لسان " قال " خدای را تسبیح می‌گویند.

۳- وحدت وجود: در شرح دعاء سحر، می‌بینیم که امام از قاعده بسیط الحقیقه کل الاشیاء استفاده می‌کند همان طریقی که صدرا در اسفار از آن استفاده کرده است. (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱م، ج ۲، ص ۳۶۸) و حقیقت وجود گرچه مبراً از اوصاف متضاد است اما به دلیل بساطت و صرافت خود، کل اشیاء و طرّ موجودات می‌داند، در عین حال که هیچ یک از آنها به شمار نمی‌آید، هر چه این بساطت افزون تر باشد، اشمال آن بر کثرات نیز بیشتر خواهد بود. لذا هر موجودی را دارای شعور و هر ذی شعوری را دارای علم می‌داند. بنابراین مقام الاهیت و همچنین خلیفه او مستجمع جمیع صفات کمالی از قبیل بطون و ظهور، ازلیت و آخریت و ... خواهد شد. (خمینی، ۱۳۷۴/۱۴۱۶، صص ۲۵-۲۹؛ و نیز همان، ۱۳۸۳، ص ۱۶۲ و ۱۸۰)

از طرفی امام خمینی (ره) آیه ۱ حدید را دلالت عام بر تسبیح عموم موجودات حتی نباتات و جمادات می‌گوید و اختصاص آن را به ذوی العقول و صاحبان عقل و شعور از احتجاجات عقول ارباب عقول و فلاسفه می‌داند و معتقد است اگر این آیه بر فرض قابل تأویل به تسبیح تکوینی یا شعوری فطری باشد اما آیات دیگر دال بر تسبیح، مانند: ۱۸ حج و ۱۸ نمل و یا قضیه طیر که از شهر سبأ برای حضرت سلیمان

خبر آورد به هیچ وجه قابل تأویل نیستند. در نتیجه ایشان تأویل تسبیح را به تسبیح تکوینی یا ذاتی و فطری، از تأویلات مردود دانسته که خلاف اخبار و آیات کریمه و حتی برهان متین است. (همان، ۱۳۸۸، ص ۶۵۴)

امام خمینی (ره) با دریافت وحدت شخصیه وجود، ارتباط کثرات را با حقیقت هستی چنان عمیق می‌داند که تمثیلی چون ظلّ و ذی ظلّ، واحد واحد و ... ناتمام می‌داند. بهترین تمثیل در نزد ایشان تمثیل موج و دریاست. امام نیز مانند ملاصدرا سریان عشق را در تمام مراتب وجود یک امر مسلم و قطعی می‌داند. از آنجاکه هر خیر و زیبایی و حُسنی به وجود باز می‌گردد و حقیقت وجود در تمامی موجودات حضور دارد، بنابراین حبّ که تعلق خاصی به جمال و زیبایی است، در تمامی مراتب وجود سریان دارد. (همان، ۱۳۸۳، ص ۱۶۰)

امام در خصوص سریان درک و شعور با استناد به ۴۴ اسراء می‌گوید: «... همین موجودات پایین هم که از انسان پایین ترند و از حیوان پایین ترند و موجودات ناقصی هستند، در آنها هم، همه کمالات منعکس است. منتهی به اندازه سعه وجودی خودشان. حتی ادراک هم دارند. همان ادراکی که در انسان هست در آنها هم هست ...». بنابراین با این قول، ایشان معتقدند تمام موجودات مادی علم و حیات و شعور و قدرت و سایر صفات کمالی را واجدند اما ما خیال می‌کنیم که آنها هیچ یک از این اوصاف و کمالات را ندارند، زیرا محجوبیم و به خاطر همین احتجابات فطرتی نمی‌توانیم به کیفیت آن پی ببریم. (همان، ص ۷۴)

۶- ادله تجربی

امروزه با گسترش دانشهای روز خوشبختانه بر اثر زحمات پژوهشگران، وجود علم و ادراک و شعور را در جهان نبات اثبات نموده است، تا آنجاکه دانشمندان روسی طی تحقیقاتی که انجام داده‌اند معتقدند گیاهان نیز اعصاب دارند و حتی فریاد نیز می‌کشند. لابراتوار علایم کشاورزی مسکو فریاد و گریه‌های ریشه گیاهی را که در آب گرم قرار گرفته بود ضبط کرد. خبرگزاری‌های جهان از رادیو مسکو نقل می‌کنند که گیاهان اعصاب دارند و فریاد می‌کشند. رادیو مسکو گوشه‌ای از نتایج تحقیقات دانشمندان روسی را در نباتات و گیاهان فاش ساخت و گفت: «دانشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که گیاهان نیز دارای دستگاهی شبیه شبکه اعصاب حیواناتند. این نتیجه آزمایش یک دانشمند است که به ساقه کدو و به دستگاه‌های الیافی آن فرستنده‌هایی نصب کرد و سپس مطالعات را با تعقیب ریشه و گیاه دنبال کرد و با انجام بریدگی در ریشه گیاه، با عکس‌العمل گیاه مواجه شد». (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۱۶ به نقل از روزنامه اطلاعات، ۱۶ بهمن ۱۳۵۲)

۷- کیفیت تسبیح موجودات {حقیقت یا مجاز در تسبیح کائنات}

تا اینجا روشن شد که بر مبنای ملاصدرا و امام خمینی (ره) همه کائنات با اختلاف درجه وجودی، دارای حیات، علم و شعور هستند. در این قسمت با بررسی اندیشه صدرای امام خمینی ضمن روشن شدن اینکه آیا تسبیح موجودات مجازی و حالی است یا حقیقی و قولی، نظر آنها را درباره چگونگی تسبیح کائنات ارزیابی خواهیم نمود.

ملاصدرا معتقد است با توجه به اینکه همه موجودات جهان به نوعی دارای علم و آگاهی می‌باشند از این طریق به تسبیح و تنزیه خداوند بزرگ اشتغال دارند و از

نقائص و عیوب تنزیه می‌کنند. لذا می‌گوید: «هر آنچه در آسمانها و زمین است به تمامی زبانهای ذات و قوا و مشاعر و ضمیر اندرون و اسرار و ظواهر و اطوارشان، تسبیح و تهلیل و تمجید و تکبیر او را چه از جهت قول و فعل و چه از جهت ضمیر و اعتقاد نمایان می‌کنند». (همان، ۱۳۹۳، ص ۱۳). از این عبارت ایشان چنین بر می‌آید که هر آنچه در دار هستی موجود شده زبان خاص خویش را دارد و با وجودشان که نشانگر وجود خالق است، او را تسبیح و تحمید می‌گویند. در واقع ایشان قائل به تفصیل می‌باشد، بر این اساس سرتاسر وجود موجودات، چه ذی شعور و چه غیر ذی شعور، نمایانگر تسبیح کائنات می‌باشد، در هر صورت این اعمال و اطوار عالم هستی بیانگر تسبیح و تمجیدشان نسبت به خدای متعال است.

به همین دلیل صدررا فهم حقیقت تسبیح و تحمید تمام کائنات را تنها برای مقام والای عارفان امکانپذیر می‌داند و می‌گوید: «پس هر کس که تجرد بیشتر و دوری‌اش از مواد کونی و جهان ماده قوی‌تر، و رهاییش از پرده و پوشش‌های دنیایی تمام‌تر است، او تسبیحش حق تعالی را کاملتر و تمام‌تر است». (همان، صص ۱۵-۱۶). لکن به نظر ایشان کیفیت تسبیح کائنات متفاوت است و موجوداتی که دارای روح و قوه عقل هستند مانند انسان، تسبیح شان قولی و از روی اعتقاد و ایمان است اما موجوداتی که فاقد عقل و روح می‌باشند در این صورت تسبیح و تنزیه شان به نحو ذاتی و اقرارشان نیز به لسان حال صورت می‌گیرد. (همان، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۱۴۶)

بنابراین از آنچه که در آثار ملاصدرا و تفاسیر او به چشم می‌خورد معلوم می‌شود که ایشان قائل به تفصیل است؛ بدین صورت که تسبیح موجودات دارای عقل و روح، به نحو قولی و غیر آنها به صورت مجازی و کنایه‌ای است و دلالت آنها نیز بر وحدانیت صانع و مبدع، به نحو ذاتی و تکوینی می‌باشد.

۸- تبیین دیدگاه امام خمینی (ره) در خصوص کیفیت تسبیح کائنات

در این بخش می‌خواهیم با بررسی آثار امام خمینی (ره) به تبیین دیدگاه ایشان در خصوص کیفیت تسبیح موجودات پردازیم.

امام خمینی (ره) تسبیح موجودات و سراسر کائنات را مستلزم علم و شعور و معرفت به ذات مقدس حق می‌داند و معتقد است بدون هیچ معرفتی و علمی ثنای موجودات نمی‌تواند محقق شود و از اینکه برخی محجوبین از فلاسفه و متکلمان آیات تسبیح بالأخص سخن گفتن نمل را تأویل مردود کرده‌اند، مخالف با ظواهر آیات و نصوص و همچنین مخالف با برهان اعلام کرده است؛ زیرا که آیات تسبیح به هیچ وجه قابل توجیه و تأویل نیستند (خمینی، ۱۳۸۸، ص ۴۱۷)

ایشان با گواه گرفتن آیه «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ؛ آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، خدایی را که پادشاه پاک ارجمند فرزانه است، تسبیح می‌گویند». (۱/جمعه) و آیه «تَسْبِيحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا؛ آسمانهای هفت گانه و زمین و هرکس که در آنهاست او را تسبیح می‌گویند، و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش، تسبیح او می‌گوید، ولی شما تسبیح آنها را در نمی‌یابید. براستی که او همواره بردبار و آمرزنده است» (۴۴/اسراء) تسبیح کافه موجودات را گوشزد می‌کند. (همان، ص ۴۱۶)

امام حقیقت وجود را عین شعور و علم و سایر شئون حیاتی می‌داند به حدی که معتقد است: «اگر شیئی از اشیاء را علم و حیات مطلق نباشد، وجود نباشد» و این یعنی اگر اشیاء و کائنات، علم یا دیگر شئون حیاتی را نداشته باشند، این مساوی با وجود نداشتن آنها، یعنی عدم است. به همین دلیل معتقد است هر کس حقیقت اصالت

وجود و اشتراک معنوی آن را که پایه و اساس فلسفه است، با ذوق عرفانی ادراک کند، آنگاه می‌تواند ذوقاً یا علماً حیات ساریه در همه موجودات را با جمیع شئون حیاتی تصدیق کند که اگر توانست به مقام مشاهده برسد آنگاه است که غلغله تسبیح موجودات را به عین مشاهده کند. (همان، ص ۶۵۵)

در واقع امام خمینی (ره) تسبیح موجودات را دالّ بر حیات نطقی و قول صریح آیات دانسته و بر صدرالمতألّهین نیز در بعضی مسائل خرده گرفته (همان، ۱۳۸۲، ص ۲۸) و متعجب است که چرا با آن همه قدرت و عظمت تعقل و تفکر، تسبیح را در موجودات مخصوصاً نوع نبات و جماد، تسبیح نطقی ندانسته و حتی قول قائلین اهل معرفت و کشف و شهود به حیات نطقی را مخالف با برهان و ملازم با تعطیل شمرده و حکم به تسبیح و نطق جمادات مثل تسبیح سنگریزه در دست پیامبر (ص) را از انشائات نفس ذکر کرده در حالیکه از آن طرف، اصوات و الفاظ را بر طبق احوال آنها گفته‌اند با این که آنچه فرموده‌اند بر خلاف اصول و مشرب ایشان است. (همان، ۱۳۸۸، ص ۶۵۵)

اما اینکه انسان حقایق را نمی‌تواند درک کند؛ برای اینکه با نظر به نقصان ذاتی خود و جمیع ممکنات و سیه رویی کائنات، علماً یا عیناً سر تا پای وجودش را در ذلّ نقص و در بحر ظلمانی امکان و فقر و احتیاج می‌یابد بلکه حقیقت این است که انسان چون این عالم را محل التذاذات خود می‌پندارد و مردن را نیز اسباب انقطاع از آنها، لذا رفته رفته حبّش به این دنیا نیز زیاد می‌شود... بنابراین هر میزانی که تعلقات او بیشتر باشد، حجاب او نیز زیادتر می‌شود. در نتیجه هر چه تعلق شدیدتر باشد حجاب غلیظ تر و خرق آن مشکلتر خواهد بود. برای اینکه با افزایش التذاذات و تعیشات، تأثر و تعلق و حبّ قلب نیز بیشتر می‌گردد. (همان، صص ۱۲۱-۱۲۳)

نکته دیگر اینکه امام خمینی (ره) برای تمام موجودات عالم، یک وجه ملکوتی قائل است که به آن وجه حیات و علم و سایر شئون حیاتیه را دارند و به آیه ۷۵ سوره انعام اشاره می‌کنند « و کذلک نُری ابراهیم ملکوت السموات و الأرض؛ و این گونه، ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نمایاندم تا از جمله یقین‌کنندگان باشد. » و آن را وجه دیگری برای سریان علم و حیات در موجودات می‌داند. (همان، ص ۴۱۷) از آنجاکه نزد عرفا تمام موجودات زنده اند بدین ترتیب سراسر عالم را علم و معرفت و... فرا گرفته است.

امام خمینی (ره) ذیل آیه « یُسَبِّحُ لَهُ مَا فِی السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ ؛ هر چه در آسمانها و زمین است او را تسبیح می‌کنند » (۲۴ / حشر) چنین استدلال می‌کنند که کلمه «من» برای موجوداتی که دارای علم و عقل باشند می‌آید اما کلمه «ما» واژه‌ای عام است و برای تمامی اشیاء و اجسام نیز به کار می‌رود. بنابراین، این آیه دلالت بر تسبیح همه موجودات ذوی‌العقول و غیر ذوی‌العقول دارد. بدین ترتیب امام تمام ذرات عالم هستی را جلوه حق تعالی و نور حقیقت وجود او می‌داند. از آنجاکه همه امور به او منتهی می‌شود و موجودات از خود استقلالی ندارند لذا هر آنچه که در آسمانها و زمین است تنها خدا را تسبیح می‌گویند. مثال دریا و موج دریا که امام می‌زنند، نیز بیانگر این است، موج‌ها از خود دریاست که متموج می‌شوند. ما خیال می‌کنیم که دو چیزند حال آنکه یک چیز بیشتر نیست. (همان، ۱۳۸۳، ص ۱۰۴ و ۱۶۰)

بدین ترتیب همانطور که معلوم می‌شود امام بر اساس آیات قرآن و اخبار صریحه، معتقدند تسبیح تمام کائنات، حقیقی است. بطور کلی در باب تسبیح بر آنند که هم تسبیح موجودات ذی روح و ذوی‌العقول حقیقی است و هم تسبیح موجودات غیر ذی روح و غیر ذوی‌العقول و تسبیح هرگز به صورت مجازی در قرآن استعمال نشده

است. از این رو وقتی به آیات قرآن توجه می‌نمایند داستان مورچه و هدهد و... را برای تسبیح حقیقی موجودات ذکر می‌کنند. به نظر ایشان هر قدمی که بر خلاف میل نفس و هوای آن برداشته شود، به همان اندازه رفع حجاب می‌شود و نور حق تجلی می‌یابد (همان، ۱۳۸۸، ص ۱۷۰) ولی برای سالک جامع علم و عمل و پیرو حقی که گوش ملکوتی او باز شده اگر طیّ طریق کند، مقام مقدّس حق را به لسان قال و ملکوتی تسبیح و ثنا می‌گوید (همان، ص ۴۱۸) لذا انسان باید گوش و چشم خود را باز کند تا پی به کیفیت آن ببرد. (همان، ص ۴۳۴)

عجب آنکه اهل ظاهر، تأویل آیات شریفه به حسب عقل خود کنند به مجرد اینکه بدون دلیل، نطق را در موجودات در نیافته‌اند حال آنکه تسبیحی که جمادات و نباتات و... دارد نطقی و شعوری ارادی است نه تکوینی ذاتی که محجوبان گویند، چراکه حقیقت وجود، دار حیات و علم و شعور و سایر صفات کمالیه است و اطلاق آن بر جمیع موجودات اعم از عاقلان و غیر عاقلان صحیح است. در واقع تمام کائنات به حسب حظّی که از وجود دارند، به مقام باری تعالی (جلّ جلاله) علم و معرفت دارند و به تسبیح شان آگاهند، این انسان است که از همه موجودات محجوبتر و بعبارتی محتجب در این حجاب‌ها و مستور سکر طبیعت است و چون اشتغالاتش بیشتر است خرق حجب به سختی تواند کرد و آنگاه که سالک الی الله احتجابات را مرفوع کرد، در هر مقام و مطلوبی که باشد، حال با روش برهانی یا شهود عرفانی، علاوه بر اینکه جمیع ذرات کائنات را در همه حرکات و سکّات خود، مسبّح و ثناگوی حق تعالی می‌بیند بلکه خود نیز، حق تعالی را تسبیح و ستایش به تمام شئون الهیه خواهد نمود. (همان، ۱۳۸۳، صص ۳۴-۳۵ و ۶۴)

امام در جریان تسبیح سنگریزه در دست رسول الله (ص) معتقدند: «تسبیحی است که گوش من و شما اجنبی است از او. نطق است، حرف است، لغت است اما نه به لغت ما، نه نطقش نطق ما است، اما ادراک است، منتها ادراک به اندازه سعه وجودی خودش...» این فرمایش امام نیز مبین حقیقی بودن تسبیح کائنات است لکن ما از باب این که محجوبیم قادر به ادراک حقایق اشیاء نیستیم، چون مطلع نیستیم و خیال میکنیم چیزی در کار نیست... حال آنکه عالم پر از هیاهوست و تمام عالم زنده است. (همان، صص ۱۰۱-۱۰۳). لذا می‌فرماید: «و اکنون این سکر طبیعت، که چشم و گوش و سایر مدارک ما را تخدیر کرده است نمی‌گذارد ما از حقایق وجودیه و هویات عینیه اطلاعی حاصل کنیم. همان‌طور که بین ما و حق تعالی حجابی وجود دارد، بین ما و دیگر موجودات نیز حجبی فاصله است که ما را از حیات و علم و سایر شئون آنها محجوب نموده ولی از تمام حجاب‌ها سخت‌تر، حجاب انکار آن هم از روی افکار محجوبه است که انسان را از همه چیز باز می‌دارد. بهترین امر برای امثال ما محجوبین، تسلیم و تصدیق آیات و اخبار اولیای خداست و بستن باب تفسیر به آراء و تطبیق آن با عقول ضعیفه است» (همان، ۱۳۸۴، ص ۶۵۵)

۹- بررسی و نتیجه‌گیری

از آنچه که گفته شد بر می‌آید که تمام ذرات هستی دارای شعور خاصی هستند و برای درک آن، باید حجاب‌های غفلت و ظلمت را از دیدگاه برداشت که عبور از این حجاب‌ها بدون معرفت نفس و تصفیه و تزکیه آن میسر نمی‌شود. همانطور که اشاره شد صدرالمتألهین قائل به تفصیل می‌باشد بدین صورت که تسبیح موجودات ذوی العقول به نحو مقالی و تسبیح موجودات غیر ذوی العقول

مجازی و اعتباری است اما از نظر امام خمینی (ره) همه موجودات اعم از جماد و نبات، به نحو مقالی و حقیقی تسبیح گوی پروردگارند. لذا دیدگاه امام مطابق با واقع بوده و آیاتی که در قرآن نیز به آن اشاره شده، قطعاً به معنای مجازی بودن تسبیح جمادات و نباتات نیست. لذا جمع دو نظریه اساساً ممکن نیست. وقتی از تسبیح و تحمید موجودات سخن به میان آید منظور تسبیح و تقدیسی است که از شعور و اراده و حیات و... نشأت می‌گیرد و ناآگاهانه نیست و همه کائنات به لسان "قال" نه به لسان "حال" این عمل را انجام می‌دهند. چراکه ممکن نیست موجودی شعور نداشته باشد، ولی در عین حال خدا را تسبیح گوید! درحالیکه به تعبیر قرآن هر آنچه در آسمان و زمین است خدا را تسبیح می‌گوید و اگر غیر از این بود خدا نمی‌فرمود «سَبِّحَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ» بلکه می‌فرمود «سَبِّحْ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ». پس نه فقط موجودات عاقل و ذی‌شعور بلکه تمامی کائنات مسبِّح حق تعالی‌اند. بنابراین فهم امام از مسئله تسبیح کائنات و حقیقی و قولی دانستن تسبیح آنها از جمله گام‌های متعالی است که ایشان برداشته‌اند.

نکته آخر اینکه قولی بودن تسبیح کائنات با دلایلی که ذکر شد به نظر درست می‌رسد و تمامی اقوالی که گفته شد، مؤید نظر امام و نگاه عرفانی اوست. زیرا علم انسان از درک و فهم تسبیح موجودات عاجز و همواره محدود است. به همین دلیل انسان همیشه مورد سرزش، مظلوم و جاهل است...

منابع

- قرآن کریم
- ابن منظور، *لسان العرب* (۱۴۱۴)؛ چاپ سوم، به اهتمام سیدجمال الدین میردامادی، دارالفکر، دارصادر-بیروت
- احمد بن فارس بن زکریا، ابوالحسین (۱۴۰۴ق)؛ *معجم مقاییس اللغة*، چاپ اول، محقق و مصحح عبدالسلام محمد هارون، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷ش)؛ *مفردات الفاظ قرآن*، قم، چاپ چهارم، انتشارات المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۳)؛ *تفسیر سوره حمد*، چاپ هشتم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- _____ (۱۴۱۶ / ۱۳۷۴)؛ *شرح دعاء سحر*، مطبعة المؤسسة العروج، الطبعة الاولى
- _____ (خرداد ۱۳۸۷)؛ *آداب الصلوة*، چاپ هفتم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- _____ (۱۳۸۴)؛ *شرح چهل حدیث*، چاپ سی و دوم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- _____ (۱۳۸۸)؛ *شرح چهل حدیث*، چاپ چهل و هشتم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- _____ (تابستان ۱۳۸۲)؛ *شرح حدیث «جنود عقل و جهل»*، چاپ هشتم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- سبحانی، آیت الله جعفر (زمستان ۱۳۸۳)؛ *منشور جاوید، نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی*، چاپ اول، موسسه امام صادق، قم

- سجادی، سیدجعفر (۱۳۷۹)؛ فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملامت‌درا، چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران
- صدر المتألهین (۱۹۸۱)؛ حکمت المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، دار احیاء التراث، چاپ سوم، بیروت
- _____ (۱۳۵۴)؛ المبدأ والمعاد، انجمن حکمت و فلسفه ایران، تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی، تهران
- _____ (۱۳۸۲)؛ الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، با حواشی حاج ملاهادی سبزواری، مقدمه، تصحیح و تعلیق استاد سید جلال الدین آشتیانی، ویرایش دوم، چاپ هفتم، قم، موسسه بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- _____ (۱۳۸۳)؛ شرح اصول کافی، ترجمه محمد خواجه‌جوی، چاپ دوم، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران
- _____ (۱۴۰۲)؛ تفسیر القرآن الکریم، تفسیر سوره حدید، تصحیح محمد خواجه‌جوی، تعلیقات مولی علی نوری، انتشارات بیدار، قم
- _____ (۱۳۹۳)؛ تفسیر القرآن الکریم، ترجمه و متن تفسیر سوره جمعه، ترجمه، تصحیح و تعلیق محمد خواجه‌جوی، چاپ چهارم، انتشارات مولی، قم
- صدر حاج سید جوادی، احمد (۱۳۸۸)؛ (دائرة المعارف تشیع)، چاپ اول، زیر نظر بهاء‌الدین خرم‌شاهی، کامران فانی، حسن یوسفی اشکوری، نشر شهید سعید محبّی، تهران
- طبرسی، شیخ فضل بن حسن (۱۴۰۸ق)؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تصحیح و تعلیق سید هاشم رسولی محلاتی و سید فضل‌الله یزدی طباطبایی، بیروت، انتشارات دار المعرفه الطباعه و النشر

- طیب، الحاج سید عبدالحسین طیب (۱۳۷۸)؛ تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن ، چاپ دوم، انتشارات اسلام
- عیاشی (۱۳۸۰ق)؛ تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود، چاپخانه علمیه، تهران
- فراهیدی (۱۴۰۹ق)؛ کتاب العین، الخلیل بن احمد، چاپ دوم، موسسه دار الهجره، قم
- مصطفوی، شیخ حسن (۱۴۱۷ق/۱۳۷۵)؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، الطبعة الاولى، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مؤسسه الطباعة و النشر، تهران
- مجلسی ، محمد باقر (۱۴۰۴ق)؛ بحار الانوار، موسسه الوفاء ، بیروت - لبنان
- نجفی، محمد جواد (۱۳۶۲)؛ تفسیر آسان، انتشارات اسلامیة، تهران، چاپ اول

